



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۳ اسفند ۱۴۰۱

موضوع کلی: فقه رمز ارزها

مصادف با: ۲۱ شعبان ۱۴۴۴

موضوع جزئی: بررسی قهه - ۱. استخراج - وجوه ملکیت رمز ارز در اثر استخراج - وجه سوم: جماله -

بررسی وجه سوم - اشکال اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم و بررسی آنها

جلسه: ۳۸

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در استخراج رمز ارزها بود و سخن به اسباب ملکیت رمز ارز رسید؛ اینکه اگر استخراج جایز باشد و منعی نداشته باشد، بر چه اساسی مستخرج می‌تواند مالک رمز ارز شود. دو وجه ذکر شد و مورد مناقشه قرار گرفت.

### وجه سوم: جماله

وجه سوم این است که ما مستخرج را از باب جماله مالک رمز ارز بشناسیم؛ یعنی مثل همین جوایزی که برای برخی از کارها قرار می‌دهند. جماله این است که کسی به ازای یک عملی که حلال است و منع شرعی ندارد، اجرت و اجری را پردازد. مثلاً کسی می‌گوید من برای کسی که گمشده‌ام را پیدا کند، این جایزه را در نظر گرفته‌ام؛ هر کسی آن گمشده را پیدا کند، فلان مبلغ یا این کالا یا شیء به او تعلق می‌گیرد. اینجا هم در واقع طراحان معماها و مسائل پیچیده و معادلات ریاضی، کأن اعلام می‌کنند اگر کسی این معادله را حل کند، این مبلغ و این شیء و این مال به او تعلق می‌گیرد. الان در خیلی از امور این متعارف است. جوایزی که به ازای قرعه‌کشی داده می‌شود، مسأله دیگری است و خودش باید در بحث دیگری تعقیب شود؛ اینکه مثلاً بانک‌ها می‌گویند اگر کسی در حساب‌ها اینقدر پول بگذارد، به صورت قرعه‌کشی جایزه می‌دهیم؛ قرعه‌کشی می‌کنند به یک نفر جایزه می‌دهند. یا یک شکلی از مسابقات رایج شده بود یک مدتی که پولی را برای شرکت کنندگان در نظر می‌گرفتند که هرکسی می‌خواهد در این مسابقه شرکت کند، یک مبلغ ناچیزی را پردازد و ما از بین شرکت کنندگان در مسابقه که پاسخ صحیح بدهند، به تعدادی از طریق قرعه‌کشی جایزه می‌دهیم. این دو روش، از این بحث بیرون است؛ چون در استخراج رمز ارزها اساساً مسأله قرعه‌کشی مطرح نیست. مثل اینکه جدولی را در نشریات کسی عرضه می‌کند و بعد می‌گویند هر کسی این جدول را به نحو صحیح حل کند، به او از طریق قرعه‌کشی جایزه می‌دهیم یا به همه پاسخ‌دهندگان صحیح جایزه می‌دهیم. در مورد استخراج رمز ارز که اساساً قرعه‌کشی مطرح نیست؛ می‌گویند آن کسی که زودتر از بقیه مبادرت به حل این مسأله کند، این پاداش و جایزه به او تعلق می‌گیرد. سایر شرکت کنندگان که متأخر از این شخص به پاسخ دست پیدا می‌کنند، آنها هم ممکن است یک بهره خیلی ناچیز ببرند که چندان قابل توجه نیست؛ جایزه و پاداش اصلی مربوط به کسی است که زودتر از سایرین به پاسخ این معادله دست پیدا می‌کند.

این کارها همه تحت عنوان جماله می‌تواند صورت بگیرد. چون جماله عبارت است از «انشاء الالتزام بعوض علی عمل محلل مقصود»، صاحب جواهر اینطور جماله را تعریف کرده که جماله عبارت است از انشاء التزام به یک عوضی در برابر یک عمل محلل مقصود. این تعریف ظاهر در این است که جماله ایقاع است، چون سخن از التزام و انشاء یک طرف است، انشاء التزام به

عوض؛ کسی انشاء می‌کند التزام خودش را به یک عوض و پاداش و اجر در برابر عملی که حلال است و قصد هم شده است؛ باید مقصود باشد، باید حلال باشد. این چیزی است که در مورد مستخرج قابل تطبیق است. آنجا هم کأن کسانی که این معادلات را طراحی می‌کنند، می‌گویند هر کسی پاسخ این معادله را دریابد و پیدا کند، عوضی به او تعلق می‌گیرد. طبیعتاً خصوصیات و ویژگی‌هایی در جعاله معتبر است؛ چون سه رکن برای جعاله قابل تصویر است: یکی اینکه باید یک جا علی وجود داشته باشد؛ کسی که به این عوض ملتزم شود. دوم اینکه عوض و اجری باشد؛ سوم اینکه در برابر یک عمل و کاری باشد؛ آن کار مادی باشد یا معنوی، حلال باشد و یک غرض عقلانی بر آن مترتب شود؛ اینها ویژگی‌هایی است که در مورد جعاله لازم است در نظر گرفته شود. این ارکان باید تحقق پیدا کند.

این ارکان در مانحن فیه هم موجود است؛ کسی ملتزم می‌شود، انشاء می‌کند این التزام را؛ ممکن است با صیغه و لفظ نباشد، ولی این التزام ایجاد می‌شود در عالم اعتبار و به همه هم اعلام می‌شود. یک عملی است که از عموم خواسته می‌شود، حل معادله و پاسخ صحیح به این معما. یک غرض عقلانی در این وجود دارد و آن پاسخ دادن به این معماست که از رهگذر آن، هم خود جاعل منتفع می‌شود و هم به امنیت بیشتر آن شبکه کمک می‌کند و اساساً کسانی که این پاداش‌ها را می‌دهند و کسانی که دریافت می‌کنند، یک شبکه مالی ایجاد می‌کنند که به زعم خودشان از تحت تصرفات دولت‌ها و حاکمیت‌ها خارج است و نمی‌تواند گرفتار دخالت‌های نابجای بانک‌های مرکزی کشورها و سلطه دولت‌ها و حاکمیت‌ها قرار گیرد. پس ارکان جعاله در اینجا وجود دارد؛ هم جاعل هست، هم اجر و عوض هست، هم یک عمل و کاری که از عموم خواسته شده است.

البته این یک قسم از جعاله است، جعاله عام؛ چون جعاله به دو شکل ممکن است مطرح شود: گاهی یک عمل خاصی از شخص معین طلب می‌شود؛ یعنی کسی به یک شخص و یک نفر معیناً می‌گوید اگر تو این کار را برای من انجام دهی، من این پاداش را به تو می‌دهم. این جعاله معین و مشخص است. اما گاهی بدون اینکه شخص معین مخاطب او باشد، به صورت کلی می‌گوید هر کسی گمشده من را پیدا کند، من به او این پاداش را می‌دهم؛ این جعاله عمومی است، مثل تعبیری که در کتاب‌ها دیده‌اید: «من ردّ ضالّتی فله کذا»، هرکس که گمشده‌ام را به من برگرداند، به او این پاداش را می‌دهم؛ این به صورت عمومی است و یک نفر خاص مخاطب نیست. قهراً در استخراج رمز ارزها جعاله به صورت دوم محقق می‌شود و نه به صورت اول؛ چون شخص خاصی را مخاطب قرار نداده است. پس مقتضی برای تطبیق جعاله بر استخراج رمز ارزها موجود است و مانعی هم در برابر آن نیست؛ پس می‌توانیم سبب و موجب ملکیت مستخرج را جعاله قرار دهیم.

البته یک نکته اینجا وجود دارد و آن اینکه این جعاله طبق نظر برخی عقد است و طبق نظر برخی ایقاع؛ برخی هم معتقدند نه عقد است و نه ایقاع، بلکه برزخی است بین عقد و ایقاع، مثل وصیت که برخی معتقدند نه عقد است و نه ایقاع. اینکه ما جعاله را عقد بدانیم یا ایقاع، البته یک آثاری دارد و محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند که این امر دیگری است؛ چه ما جعاله را عقد بدانیم و چه ایقاع، فی الجمله این بر استخراج رمز ارزها تطبیق می‌شود و می‌تواند موجب ملکیت باشد.

اگر ما جعاله را عقد بدانیم، طبیعتاً دست و بال‌ها کمی بسته می‌شود؛ یعنی باعث می‌شود هر کسی نتواند مالک شود؛ اینطور نیست که اگر ما جعاله را عقد بدانیم، هر مستخرجی ولو شرایط عمومی متعاقدین را نداشته باشد، بتواند مالک شود. مثلاً در متعاقدین، بلوغ و عقل شرط است؛ قبول انشاء ایجاب شرط است؛ در عقد یک انشاء قبول داریم و یک انشاء ایجاب. عقد

نیازمند قبول است، طرفین عقد باید بالغ و عاقل باشند. اگر این باشد، نه اینکه به طور کلی باب تطبیق جعاله بسته شود، ولی این مقدماتی نیاز دارد؛ به این معنا که مثلاً وقتی جاعل انشاء می‌کند التزام خودش را به عوضی در برابر یک عمل محلل مقصود، طرف مقابل هم این را باید قبول کند و انشاء قبول داشته باشد تا عقد محقق بشود. طرف مقابل باید بالغ باشد، چنانچه جعاله را عقد بدانیم، چنانچه صبی مبادرت به استخراج رمز ارز کند مالک عوض محسوب نمی‌شود. اما باز با محدودیت‌ها و اعمال یک سری مقررات، امکان اینکه ما این را جعاله محسوب کنیم هست و باب آن بسته نمی‌شود.

اما اگر آن را ایقاع بدانیم، قهراً فضا یک مقداری بازتر می‌شود؛ در ایقاع نیاز به انشاء قبول نیست؛ همین که می‌گوید «من ردّ ضالّتی» هر کسی شروع به این کار کند و نتیجه بگیرد، مستحق عوض و پاداش است. بدون اینکه قبول را انشاء کنند، همه می‌توانند مبادرت به انجام این کار کنند. یا مثلاً اگر صبی مبادرت به استخراج کند، می‌تواند مالک عوض شود؛ دیگر آن شرایطی که برای متعاقدين لازم بود، اینجا معتبر نیست. این تفاوت‌ها بین فرض ایقاع بودن جعاله و عقد بودن جعاله هست، لکن فی الجمله می‌توانیم بگوییم جعاله چه عقد باشد و چه ایقاع، قابل تطبیق بر استخراج رمز ارز هست و می‌تواند به عنوان یک وجه شرعی برای ملکیت آنچه که استخراج می‌شود، پذیرفته شود. البته تفاوت‌هایی که اشاره شد، باید ملاحظه شود؛ صرف نظر از آن تفاوت‌ها، این یک وجه شرعی قابل قبول برای اینکه ملکیت مستخرج را مشروع کند، هست.

#### بررسی وجه سوم

چند اشکال اینجا مطرح است که باید بینیم این اشکالات را می‌توانیم پاسخ دهیم یا نه. اگر این چند اشکال جدی پاسخ داده نشود، این وجه هم با چالش مواجه است.

#### اشکال اول

یک اشکال این است که عوضی که برای این عمل از طرف جاعل اعلام می‌شود، معلوم نیست. مشخص نیست چقدر رمز ارز نصیب او می‌شود؛ کسی که معادله را حل می‌کند و پاسخ می‌دهد، اطلاع ندارد که آن پاداش چقدر است. یک وقت از قبل پاداش را اعلام می‌کنند مثل خیلی از کارهایی که این روزها انجام می‌شود و می‌گویند هرکسی این معما را حل کند، این مقدار به او پاداش می‌دهیم؛ این بحثی ندارد. اما اینجا معلوم نیست که چه مقدار رمز ارز نصیب مستخرج می‌شود و این مانع پذیرش این وجه است.

#### پاسخ

پاسخ این اشکال این است که در باب جعاله چنین چیزی شرط نشده است؛ یعنی تقریباً این متفق علیه است یا حداقل می‌توانیم بگوییم مشهور بر این است که معلوم بودن عوض معتبر نیست؛ یعنی اگر کسی بگوید «من رد ضالّتی فله جائزة» من جایزه‌ای به او می‌دهم یا جایزه قابل توجهی به او می‌دهم، این کفایت می‌کند؛ لازم نیست مقدار لازم معین شود. این چیزی است که تقریباً همگان یا مشهور گفته‌اند. بله، آنچه که لازم است، این است که آن شیء مالیت داشته باشد و عنوان مال بر آن صدق کند؛ ولی مقدارش لازم نیست. می‌گوید اگر کسی ماشین من را پیدا کرد، یک جایزه خوب پیش من دارد؛ همین کافی است. اینجا هم اصل مالیت رمز ارز محرز است و ما قبلاً این را گفتیم، چون ویژگی‌های مال بر رمز ارز منطبق است، و این کفایت می‌کند؛ اینکه مالیت و ارزش دارد، وسیله تبادل کالاهاست، ذخیره ارزش است، آن ویژگی‌هایی که در مورد مال گفته شد، همه بر رمز ارز منطبق است. بنابراین معلوم نبودن پاداش و اجر در مانحن فیه لطمه‌ای به این وجه وارد نمی‌کند.

## اشکال دوم

در جعاله معمولاً کاری را که جاعل از عموم می‌خواهد یا از یک شخص معین، یک منفعتی برای جاعل دارد؛ بالاخره گمشده‌اش پیدا می‌شود یا کاری برای او انجام می‌شود که او از رهگذر این عمل منتفع می‌شود و یک نفعی می‌برد که در برابر آن عوض قرار داده است ولی اینجا برای طراحان این معادله چه منفعتی می‌توان تصویر کرد؟ کسانی که این معادله را برای پاسخ‌یابی در اختیار همگان قرار می‌دهند، چه نفعی می‌برند؟ حل این معادله چه نفعی برای آنها دارد؟ لذا چون نفعی برای آنها متصور نیست، اینجا نمی‌توانیم این را به عنوان جعاله قرار دهیم.

## پاسخ

اولاً: نفعی که برای طراحان و جاعلان می‌توان تصویر کرد، لازم نیست که منفعت مادی و مالی باشد؛ مهم این است که یک منفعتی بتوان تصویر کرد، به این معنا که غرض عقلانی از این کار تعقیب شود، و اینجا اغراض متعدد عقلایی متصور است، هم برای جاعلان و هم برای دیگران؛ از جمله:

۱. خود جاعلان به هر حال به دنبال یک شبکه مالی خارج از دسترس و نظارت و به دور از تأثیرپذیری نوسات پولی است، و این امر با این منظور انجام می‌شود. اینکه امور مالی را از سیطره بانک‌های مرکزی و دولت‌ها و نفوذ سیاسیون دور کنند، این خودش یک منفعت مهمی است که هم نصیب جاعلان می‌شود و هم نصیب دیگران.

۲. به علاوه این کار سبب ارتقاء امنیت شبکه‌ای می‌شود که آنها در آن حضور دارند. چون عرض کردیم رمز ارزها در یک بستر خاصی به نام بلاک‌چین عمل می‌کنند و خصوصیت این بستر یا شبکه این است که شفاف است، اینکه کسی نمی‌تواند در آن تصرف کند، اینکه نمی‌تواند تقلب کند، خود ایجاد و توسعه یک شبکه امن شفاف، یک غرض عقلانی بسیار مهمی است که برای جاعل و دیگران می‌تواند تصویر شود.

ثانیاً: در همین جا منفعت مادی هم برای جاعلان قابل تصویر است؛ اینطور نیست که جاعلان هیچ منفعت مادی نداشته باشند. اگر منفعت مادی نداشتند، این رمز ارزهای مختلف که با اسامی مختلف دارند کار می‌کنند، این همه سازمان و شرکت و کارمند در اختیار نمی‌گرفتند. بیت‌کوین در یکی از کشورها یک سازمان عریض و طویلی با صدها کارمند دارد که در این رابطه فعالیت می‌کنند؛ بالاخره کسی که این فضا را فراهم می‌کند و کمک می‌کند به توسعه بهره‌برداری از رمز ارز، منافع مادی قابل توجهی برای او می‌توان تصویر کرد. پس از این جهت هم محذوری به نظر نمی‌رسد.

## اشکال سوم

اشکال دیگر در مورد رمز ارزها این است که کسانی که مبادرت به استخراج می‌کنند، نه قراردادی دارند و نه عقدی دارند؛ صرفاً یک سری دستگاه‌ها (ماینر) را می‌خرند و هزینه می‌کنند و امیدشان این است که از قبل این سرمایه‌گذاری، سودی نصیب آنها شود و فرقی هم نمی‌کند که آن کسی که این کار را می‌کند، بالغ باشد، عاقل باشد یا بچه یا مجنون. اینها هیچ کدام وجود ندارد؛ هر کسی با هر ویژگی و خصوصیتی این دستگاه را بخرد و مقدمات را فراهم کند، کافی است برای اینکه احتمالاً به آن پاداش و عوض و اجر برسد. پس این نمی‌تواند جعاله باشد.

## پاسخ

پاسخ این اشکال هم از آنچه ما گفتیم معلوم شد. بله، اگر جعاله را عقد بدانیم، چه بسا این اشکال وارد شود؛ اما اگر گفتیم

جعله ایقاع است - كما هو الحق - این اشکال وارد نیست. چون اگر ما جعله را ایقاع بدانیم، نیاز به قبول ندارد؛ نیازی به طرف دوم عقد ندارد؛ ایقاع نیاز به یک نفر دارد، اینکه یک حقیقتی انشاء شود و این امر در اینجا محقق است. لذا این مشکلی ایجاد نمی‌کند.

#### اشکال چهارم

اشکال چهارم برمی‌گردد به قصد؛ در تعریف جعله گفته شد، جعله عبارت است از «انشاء الالتزام بعوض علی عمل محلل مقصود». انشاء التزام به یک عوضی، یعنی قبول تعهد و متعهد شدن برای دادن یک پاداش در برابر یک عمل محلل مقصود؛ این عمل باید مقصود باشد؛ این کار باید قصد شده باشد و اینجا این چنین نیست.

#### پاسخ

آیا منظور قصد جاعل است یا قصد کسی که طرف جعله محسوب می‌شود؟ برای جاعل، قصد لازم است؛ یعنی این عمل باید قصد شده باشد و اینجا در باب جعله این قصد وجود دارد؛ جاعل این عمل را قصد کرده و می‌گوید هر کسی این عمل را انجام دهد، من به او این پاداش را می‌دهم. اما در مورد طرف مقابل، آیا قصد او لازم است یا نه؟ در جعله اگر ما این را ایقاع بدانیم، قصدش لازم نیست. خیلی وقت‌ها پیش می‌آید که کسی تصادفاً کیف پول یا طلا پیدا می‌کند و قصدی هم برای پیدا کردن و جستجو نداشته؛ این کیف پول را می‌دهد ولی مستحق پاداش هست. آن شخص لازم نیست قصد داشته باشد. البته نمی‌شود کسی با فراهم کردن آن مقدمات، قصد استخراج رمز ارز نداشته باشد، چون اصلاً بدون قصد تحقق ندارد؛ ولی اگر هم فرض کنیم بدون قصد این معادله را حل کرد، باز هم استحقاق اجر دارد.

#### اشکال پنجم

اشکال پنجم این است که این عمل محلل نیست، در حالی که یکی از اجزاء تعریف جعله این است که عوض در برابر یک عمل محلل قرار گیرد، یعنی ملتزم شود به عوض در برابر یک عمل حلال، و این عمل حلال نیست؛ استخراج جایز نیست تا بخواهد جعله تحقق پیدا کند. اینکه حلال نیست، لعل به عنوان قمار باشد یا معنای عام اکل مال به باطل، یا مثلاً به جهت مفاسدی که این عمل دارد؛ پس این نمی‌تواند جعله باشد.

#### پاسخ

پاسخ این اشکال هم روشن است:

اولاً؛ قبلاً گفتیم درباره استخراج رمز ارز به عنوان اولی بحث می‌کنیم؛ اینکه این عمل به عنوان ثانوی مثل ضرر و مفسده و امثال اینها یک حکمی بخواهد پیدا کند، این از بحث ما خارج است.

ثانیاً؛ در گذشته قمار بودن این عمل را زیر سؤال بردیم و گفتیم نه از جهت قمار اکل مال به باطل است و نه عنوان کلی اکل مال به باطل اینجا صادق است. بنابراین عمل غیرمحلل نیست و یک عمل حرام محسوب نمی‌شود، بلکه این یک عمل جایز شرعی است که عرض کردیم غرض عقلائی هم بر آن مترتب است.

#### سؤال:

استاد: جعله که منحصر در آن نیست؛ اصلاً یک چیزی را پشت کوه می‌گذارد و خودش هم می‌داند جای آن کجاست، یا در یکی از اتاق‌های مدرسه مخفی می‌کند؛ بعد می‌گوید هرکسی این را پیدا کند و بیاورد، من این جایزه را به او می‌دهم. این

می تواند جعاله باشد و غرض عقلائی هم بر آن متصور است. مثلاً می خواهد حس جستجوگری را در بچه ها تقویت کند؛ شب تاریک است، می گوید هرکسی داخل اتاق فلان چیز را پیدا کرد، من این جایزه را به او می دهم؛ می خواهد شجاعت آنها را امتحان کند، می خواهد ببیند حس لامسه آنها در چه حدی است؛ خیلی اغراض اینجا می شود تصویر کرد.

#### **اشکال ششم**

اشکال دیگری که اینجا می توان مطرح کرد، این است که اگر بگوییم رمز ارز با حل این معما تولید می شود و قبل از آن چیزی وجود ندارد، یعنی استخراج رمز ارز مساوی با تولید آن است؛ اینجا پاداشی در کار نیست، آن وقت چطور می توانیم جعاله را تصویر کنیم؟ بالاخره در جعاله یک چیزی به عنوان عوض قرار می گیرد و آنچه که به عنوان عوض قرار می گیرد، یک حقیقت و هویتی دارد و اینجا هنوز چیزی تحقق پیدا نکرده است.

#### **پاسخ**

این اشکال هم وارد نیست؛ چون قبلاً گفتیم اینجا دو فرض وجود دارد: یک فرض این است که ما بگوییم رمز ارزها که عبارت از همان اعداد و ارقام است، از قبل موجود است و در جایی مخفی است و مستخرجین یا معدن کاوان آن را کشف می کنند. می گوید هر کسی این را پیدا کرد، برای خودش. فرض دیگر اینکه موجود نباشد و با استخراج و محاسباتی که می شود تولید شود، در این صورت هم محذوری ندارد؛ می گوید آنچه تولید شد برای خودش. در هر صورت از این جهت هم محذوری نیست.

#### **نتیجه**

**فتحصل** ما ذکرنا کله که جعاله می تواند یک وجه شرعی برای ملکیت مستخرج قلمداد شود.

#### **بحث جلسه آینده**

تا اینجا راجع به استخراج بحث کردیم؛ بحث بعدی راجع به فعل دومی است که در رابطه با رمز ارز تصویر می شود و آن هم عبارت از مبادله با رمز ارز است که بعد از تعطیلات ماه مبارک رمضان به آن خواهیم پرداخت.

«والحمد لله رب العالمین»